

بررسی اصول و مبانی حقوق رقابت براساس قوانین حقوقی جمهوری اسلامی ایران

حمید صمدی فرد^۱

شیرین شفیعی^۲

دکتر محمدسعید شفیعی^۳

چکیده:

حقوق رقابت با تبیین مجموعه‌ای از اصول و قواعد ناظر بر رفتار و ارتباط و توافق‌های میان بنگاه‌ها، از انحراف ساختار بازار به انحصار مانع شده و سبب بهبودی عملکرد آن می‌گردد و در واقع به عنوان مهمترین ابزار سیاست رقابتی، به منظور جبران نقضان شکلی و ماهوی مقررات حقوق خصوصی به عنوان عمومی‌ترین و منصفانه‌ترین ابزارهای نظارت بر اقتصاد، پا به این عرصه گذاشته تا سبب افزایش رفاه مصرف‌کنندگان از طریق افزایش کارایی تخصیص منابع گردد. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که مقررات حقوق رقابت، در زمینه کنترل و نظارت دولت بر اقتصاد، با هدف بهبود وضعیت اقتصادی جامعه، توزیع عادلانه ثروت و حفاظت از کيان اقتصاد و رفاه مصرف‌کننده مطرح می‌گردد؛ ولی تاکنون نتایج این اقدامات در سطح جامعه نمود عینی قابل توجهی نداشته است. فلذا موضوع حقوق رقابت به عنوان یکی از نهادهای حقوقی - اقتصادی مورد توجه قرار گرفته است که در این مقاله به بررسی و ارزیابی آن خواهیم پرداخت. اما باید این نکته را ذکر کرد که هدف از مطرح نمودن این موضوع در این مقاله، بررسی مفاهیم مرتبط با حقوق رقابت بوده و پس از آن به بررسی اصول، مبانی و اهداف حقوق رقابت پرداخته و قوانین مرتبط را بررسی نموده و هدف از ارائه آن در نظام جمهوری اسلامی را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

کلمات کلیدی: اصول، حقوق رقابت، مصرف‌کننده، قوانین حقوقی، بنگاه‌های تجاری

hamid.samadifard1988@gmail.com

samanh.shahbaz2018@gmail.com

m.habibimehr@gmail.com

^۱ نویسنده و مسئول - کارشناس ارشد حقوق خصوصی دانشگاه علوم تحقیقات فارس

^۲ نویسنده و مسئول - کارشناس ارشد دانشگاه آزاد واحد خمینی شهر

^۳ استاد دانشگاه اصفهان



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

حقوق رقابت به منظور حفظ و توسعه رقابت جهت حمایت از کارآیی اقتصادی و افزایش رفاه مصرف‌کننده ایجاد شده است. با وجود این بنیان دقیق، فلسفه و شیوه اجرا و نظریه علی‌ای که در پس حقوق رقابت قرار دارد تا حدی پیچیده و ناشناخته است. پایه فکری و چارچوب مفهومی حقوق رقابت ابتدا در فضای فکری نظریه اقتصاد خرد نئوکلاسیکی ساخته و پرداخته شده است. بنابراین مبنا، فلسفه و نظریه علی زیربنایی آن بازتابی از مفروضات، برهان‌ها و فلسفه مورد پذیرش در نظریه نئوکلاسیکی و سایر نظریات مربوط است. نخستین گام برای درک نظریه مزبور، آشنایی با مفهوم بازار، منافع ناشی از کارآیی بازار و نقش رقابت و رابطه علی درونی آن است. در همین راستا به‌طور خاص لازم است دلایل مطلوبیت بازار و نظم حاکم بر آن تبیین شود. در تمامی مطالعات انجام شده به بررسی کلیات موضوع پرداخته ولی هیچ کدام به ذکر تفصیلی اصول و مبانی حقوق رقابت بطور مستقل پرداخته‌اند که این مقاله بطور خاص به ارزیابی و بررسی این موضوع پرداخته و قوانین مرتبط با حقوق رقابت را در جمهوری اسلامی مورد تحلیل و بررسی قرار داده است.

پرسشی که در این مقاله بدان پاسخ داده خواهد شد این است که اهداف حقوق رقابت چیست؟ قوانین مرتبط با حقوق رقابت در جمهوری اسلامی چه قوانینی هستند و اهداف حقوق رقابت در نظام جمهوری اسلامی ایران چیست؟

پژوهشنامه تطبیقی دادپیشگان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بیان مسئله :

۱. تعریف حقوق رقابت:

حقوق رقابت به منظور حفظ و توسعه رقابت جهت حمایت از کارآیی اقتصادی و افزایش رفاه مصرف‌کننده ایجاد شده است. با وجود این بنیان دقیق، فلسفه و شیوه اجرا و نظریه علی‌ای که در پس حقوق رقابت قرار دارد تا حدی پیچیده و ناشناخته است. پایه فکری و چارچوب مفهومی حقوق رقابت ابتدا در فضای فکری نظریه اقتصاد خردنئوکلاسیکی ساخته و پرداخته شده است (تایلور و مارتی، ۲۰۰۵: ۸).

بنابراین مبنا، فلسفه و نظریه علی زیربنایی آن بازتابی از مفروضات، براهین و فلسفه مورد پذیرش در نظریه نئوکلاسیکی و سایر نظریات مربوط است. نخستین گام برای درک نظریه مزبور، آشنایی با مفهوم بازار، منافع ناشی از کارآیی بازار و نقش رقابت و رابطه علی درونی آن است. در همین راستا به‌طور خاص لازم است دلایل مطلوبیت بازار و نظم حاکم بر آن تبیین شود. به‌طور خلاصه می‌توان گفت که دلیل مطلوب بودن ساز و کار مبادله آزادانه اموال (بازار) این است که این ساز و کار با ارزش‌ها و آرمان‌های مطلوب غربیان و مسلمانان در زندگی اقتصادی هماهنگ و سازگار است (باقری و رشوند بوکانی، ۱۳۸۷: ۵۶).

۲. پیشینه پژوهش :

سیدمحمد طباطبائی‌نژاد (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان داوری تجاری بین‌المللی و چالش اعمال قواعد آمره؛ مطالعه موردی داوری در حقوق رقابت به بررسی این موضوع پرداخت که سایه حکومت قواعد حقوق عمومی بر حقوق رقابت موجب شده است که برای سالیان متمادی «داوری‌پذیری» دعاوی مرتبط با حقوق رقابت با چالش همراه باشد. این چالش در نگاه اول ناشی از تعریف سنتی کارکرد داوری تجاری به‌عنوان نهادی برای ایجاد تعادل قضایی میان منافع متعارض و خواست‌های متفاوت اشخاص طرف دعوی است. هدف این مقاله این است که با رویکرد تحلیلی و تطبیقی، چالش اعمال قواعد آمره از سوی داور بر اساس مبانی کلی حاکم بر داوری از یک سو و کارکرد و اهداف حقوق رقابت از سوی دیگر بررسی شود.

ولی... رستمی و ایام کمرخانی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان اعمال مقررات حقوق رقابت بر اعمال حاکمیتی و تصدی دولت به این پرسش پاسخ دادند که آیا شایسته و لازم است که اعمال دولت تابع بررسی‌های حقوق رقابت باشد یا خیر؟ از اینرو، نخست ادبیات مربوط به این پرسش تشریح شده، سپس به پرسش یادشده در فروض مختلف با توجه به اینکه عمل انجام گرفته در حوزه اختیارات و امتیازات قدرت عمومی باشد یا صرفاً

عملی تجاری - اقتصادی، پاسخ داده می‌شود. در نهایت شواهدی تطبیقی با تأکید بر نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا عرضه خواهد شد. یافته‌های این مقاله قابل اعمال در هر دو حوزه حقوق رقابت داخلی و حقوق رقابت بین‌المللی است؛ چراکه تاکنون در باب اعمال ضدرقابتی فراسرزمینی هیچ‌گونه معاهده یا مقررات عام‌الشمولی وضع نشده است، از اینرو، تعقیب و پیگیری اعمال ضدرقابتی اعم از اینکه دارای ابعاد بین‌المللی باشد یا صرفاً در بازار داخلی یک کشور انجام گرفته باشد، قهراً در نظام حقوقی ملی صورت می‌پذیرد.

ابراهیم رهبری و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان عملکرد حقوق رقابت بر رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه سعی نمودند تا با توجه به تحقیقات اولیه‌ای که درخصوص ارتباط بین حقوق رقابت و رشد اقتصادی صورت گرفته، فرایند علت و معلولی که پیوند دهنده حقوق رقابت و رشد اقتصادی است، با استفاده از تجزیه و تحلیل به محل بحث و بررسی گذاشته شود.

محمود باقری و سیمین عباسی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان سیاست‌های حقوق رقابت و حقوق مالکیت فکری به بررسی این موضوع پرداختند که حقوق رقابت ضدانحصار و حقوق مالکیت فکری حق انحصاری ویژه‌ای برای صاحبان اموال فکری است. در این مقاله به روش‌های تعامل این دو حق به ظاهر متناقض پرداخته شد. از روش‌های تعامل بین این دو می‌توان استیفاء، واردات موازی، مجوزهای اجباری و مجوزهای بهره‌برداري منطبق با حقوق رقابت را نام برد.

محمدحسن صادقی مقدم و بهنام غفاری فارسانی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان روح حقوق رقابت به بیان این موضوع پرداخت که از حقوق رقابت به عنوان یکی از ضروریات و عوامل مؤثر در توفیق نظام‌های اقتصاد بازار آزاد یاد می‌شود. تصور بر این است که اگر در میان فعالان عرصه‌ی تولید و توزیع، رقابت سالم حاکم باشد، کارایی اقتصادی به بار آمده و رفاه عمومی افزایش می‌یابد. در حالی که این شاخه‌ی نوین حقوقی، مدت‌ها است که مباحث بین رشته‌ای جذاب و پردامنه‌ای را میان حقوق و اقتصاددانان برانگیخته، اما نظام حقوقی ایران به تازگی گام‌های نخستین را در این عرصه برداشته است؛ از این رو تدارک مقدمات و تدوین قواعد بنیادین این حوزه امری ضروری است.

سیدمحمد مهدی غمامی و محسن اسماعیلی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان مطالعه تطبیقی نظام حقوقی رقابت در ایران و فرانسه به بیان این موضوع پرداخت که مساله رقابت از اساسی‌ترین موضوعات بازار است؛ چرا که بدون رقابت بازار شکل نمی‌گیرد و حقوق مصرف‌کننده و توسعه ملی حاصل نمی‌شود. در این مقاله دو نظام

حقوق رقابت ایران (۱۳۸۷) و حقوق رقابت فرانسه (۱۹۸۶) با هم مقایسه گردید و خلل موجود در قانون ایران مورد بررسی قرار گرفت.

۳. تاریخچه حقوق رقابت:

حقوق رقابت که با تصویب قانون شرمین (مشهور به قانون ضد تراست) در سال ۱۸۹۰ میلادی در آمریکا پا به عرصه وجود گذاشت و از سوی یک کشور آسیائی (ژاپن) به عنوان دومین کشور جهان در نیمه اول قرن بیستم (۱۹۴۷ میلادی) مورد توجه و اقدام قرار گرفت، در ایران چندان مورد توجه نبوده و علیرغم وجود مقرراتی مانند بند الف ماده ۲۴۴ قانون مجازات عمومی مصوب سال ۱۳۱۰ و نیز مقررات موسوم به تعزیرات حکومتی در دوره پس از انقلاب، نمی توان گفت که نظام مشخصی برای مقابله با انحصار و حمایت از رقابت در فعالیتهای اقتصادی در ایران وجود داشته است. اما تلاشها برای لغو انحصارات و ایجاد فضای رقابتی از زمان برنامه دوم اقتصادی کشور در سازمان برنامه و بودجه آغاز و علیرغم اختصاص فصل چهارم قانون برنامه های سوم و چهارم اقتصادی (۱۳۷۹ و ۱۳۸۳) به مقرراتی در خصوص تنظیم انحصارات و حمایت از رقابت اقتصادی، به دلیل محدودیت های ناشی از اصل ۴۴ قانون اساسی و اینکه ساختار اقتصادی کشور، عمدتاً دولتی و مشتمل بر برخی انحصارات طبیعی و قانونی بوده و هست، مقررات مزبور عملاً منتهی به اقدام مؤثری در این خصوص نشد.

بالاخره پیش نویس لایحه "قانون جامع تسهیل رقابت و کنترل و جلوگیری از شکل گیری انحصارات" در سال ۱۳۸۳ توسط وزارت بازرگانی تهیه و با اصلاحات مختصری در هیئت دولت، در سال ۱۳۸۴ به مجلس تقدیم گردید. در همین اثناء مجمع تشخیص مصلحت نظام، سیاست های کلی نظام در ارتباط با اصل ۴۴ قانون اساسی را با نگاهی مبتنی بر مصلحت گرائی تدوین نمود که پس از تأیید رهبری ابلاغ گردید.

تغییر دیدگاه نسبت به اصل ۴۴ قانون اساسی زمینه ساز تدوین و تصویب فصل نهم "قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی" در سال ۱۳۸۶ گردید که با تصویب ماده واحده ای در تاریخ ۱۳۸۹/۱۲/۲۴، قانون مزبور ضمن تغییر نام به "قانون اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی" تغییر ماهیت نیز یافته و از قانون برنامه ای و موقت به قانون دائمی تبدیل شد.

فصل نهم "قانون اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی"، مشتمل بر ۴۲ ماده و ۱۹ تبصره (از ماده ۴۶ لغایت ماده ۸۴) تحت عنوان "تسهیل رقابت و منع انحصار" مقررات مربوط به حقوق رقابت ایران را شکل داده است.

مقررات این قانون، ضمن به رسمیت شناختن برخی انحصارات برای دولت (بند ج ماده ۳)، در حوزه‌های نفت و گاز، شبکه‌های اصلی مخابراتی، شبکه‌های اصلی انتقال برق، تولیدات محرمانه نظامی و انتظامی، بخشی از شبکه بانکی و بیمه مرکزی، رادیو و تلویزیون، سدها و شبکه‌های بزرگ آب‌رسانی، فعالیت در حوزه‌های سلامت، آموزش، تحقیقات و فرهنگ را نیز از شمول قانون خارج ساخته (تبصره ۲ بند ج ماده ۳ قانون) و در سایر موارد، کلیه فعالان اقتصادی از جمله نهادهای دولتی و عمومی فعال در حوزه اقتصاد را که در تولید یا توزیع کالا یا خدمت فعالیت دارند، مشمول قانون اعلام نموده است. مقررات حقوق رقابت در ایران با رویکرد تلفیقی از دو جنبه "رفتاری" و "ساختاری" محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های موضوع قانون را که به "رویه‌های ضد رقابتی" شهرت یافته، در دو قالب "رفتارهای ضد رقابتی" و "ساختارهای ضد رقابتی" شناسایی و اعلام نموده است.

طی ۱۱ بند ماده ۴۵ قانون (۲۸ مورد) و در ماده ۵۲ قانون یک مورد (رفتارهای یک‌جانبه) و در ماده ۴۴ قانون نیز "تبانی" (رفتار دو یا چندجانبه) به‌عنوان بخشی از رویه‌های ضد رقابتی تعرفه شده است؛ با این توضیح که مورد مذکور در ماده ۵۲ قانون، منحصر به اقدامات تبعیض‌آمیز دولت می‌باشد. موارد احصاء شده در ماده ۴۵ قانون از زمره رویه‌های ضد رقابتی مبتنی بر رویکرد رفتاری فعالان اقتصادی و ممنوعیت انجام این رفتارها، با لحاظ اینکه ذاتاً محدودکننده تجارت و ضد رقابت شناخته شده‌اند، مبتنی بر قاعده "ممنوعیت ذاتی" است که ناشی از شناخته شدن ماهیت و آثار ضد رقابتی این "اقدامات"، "توافقات" و "فعالیت‌ها" است. در نتیجه، مدعی نیازی به اثبات ضد رقابتی بودن این دسته از رفتارها ندارد؛ اما در ارتباط با تبانی مذکور در ماده ۴۴ قانون، قطع نظر از اینکه مبتنی بر رویکرد رفتاری بوده و اقدامی دو یا چندجانبه است، با لحاظ قاعده "معقول و متعارف"، اصل بر صحت "توافقات" است، مگر اینکه ضد رقابتی بودن آن‌ها به اثبات برسد.

ساختارهای ضد رقابتی مذکور در قانون (مواد ۴۶ لغایت ۴۸) مشتمل بر سه دسته "مدیریت پیوسته"، "تملك سرمایه و سهام" و "ادغام بنگاه‌ها" است که با عنایت به شناسایی برخی انحصارات طبیعی و قانونی توسط قانون، به نظر می‌رسد هدف قانون کنترل انحصارات موجود و جلوگیری از ایجاد انحصارات جدید باشد؛ لیکن باید توجه داشت که قانون‌گذار برای ساختارهای ضد رقابتی تعرفه شده به ایجاد محدودیت بسنده کرده و ممنوعیت را منحصر به مواردی نموده است که ساختارهای یادشده موجب ایجاد موقعیت مسلط یا

تشدید تمرکز و ... گردد (سیاست کنترل‌ها) و فراتر از این، در مواردی از جمله دسترسی به دانش فنی، ادغام را حتی در صورتی که منتهی به افزایش قیمت یا تمرکز شدید نیز شود، مجاز شمرده است.

ضمانت اجرای پیش‌بینی شده در ماده ۶۴ قانون برای رویه‌های ضد رقابتی، عمدتاً و به‌استثناء موارد مذکور در بندهای ۸ و ۱۲ ماده مرقوم، ضمانت اجرای مدنی و در قالب دستوراتی مبنی بر توقف، فسخ و ابطال رویه‌های ضد رقابتی است و تنها دو مورد مذکور در بندهای ۸ و ۱۲ است که تا حدودی با سایر موارد متفاوت بوده و حاکی از استرداد و توقیف منافع مادی و اضافه درآمد حاصل از رویه ضد رقابتی و نیز جریمه نقدی است. مقررات حقوق رقابت ایران، مرجع خاصی را برای نظارت بر اجرای مقررات مزبور و رسیدگی به تخلفات فعالان اقتصادی تأسیس نموده است. شورای رقابت مهم‌ترین نهاد و یگانه مرجع رسیدگی به رویه‌های ضد رقابتی می‌باشد. تصمیمات این شورا در هیئتی ذکر شده در ماده ۶۴، قابل تجدیدنظرخواهی است.

مفاد ماده ۵۶ قانون در مقام تأمین استقلال رأی شورای رقابت به نحوی است که می‌توان گفت چنین امتیازی حتی برای قضات دادگاه‌ها و مراجع قضائی ملحوظ نشده است. با این وصف باید گفت که این شورا و مرجع تجدیدنظر آن، ماهیتاً مرجع قضائی محسوب نشده و از زمره مراجع اختصاصی اداری می‌باشند و در نتیجه آراء این مرجع قابل شکایت در دیوان عدالت اداری خواهد بود. مطابق مفاد ماده ۵۴ قانون، مؤسسه‌ای دولتی و مستقل، زیر نظر رئیس‌جمهور، بنام مرکز ملی رقابت تشکیل می‌شود که انجام امور کارشناسی و اجرائی و فعالیت‌های دبیرخانه‌ای شورای رقابت را بر عهده خواهد داشت (پور طهماسبی فرد، ۱۳۹۴: ۱).

۴. اصول و مبانی حقوق رقابت:

نظام اقتصادی اسلام، مجموعه‌ای هماهنگ از عناصر و نهادهایی است که از قابلیت تحقق عینی در جامعه برخوردار بوده و اسلام آن را بر اساس مبانی خاص و به منظور دستیابی جامعه به اهداف معینی طراحی کرده است (خداداد کاشی، ۱۳۸۸: ۴۴). شایان توجه آنکه نظریه‌های حاکم بر نظام‌های اقتصادی موجود، محصول اندیشه متفکران و اقتصاددانان است که بسیاری از آنها در طول زمان پس از نقد و تطور تکامل یافته و به صورت نظریه پذیرفته شده‌اند، اما نظریه‌هایی که نظام اقتصاد اسلام بر آن استوار است ریشه در قرآن کریم و آموزه‌های پیامبر اسلام دارد و بر خلاف نظام‌های اقتصادی دیگر که «تکوین» یافته و ابداع شده‌اند، ساختمان نظری اقتصاد اسلامی پیشتر طرح‌ریزی شده و صرفاً نیاز به اکتشاف طرح حقیقی آن نظام وجود دارد (صدر، ۱۳۴۹: ج ۲، ۲۶).

به عبارت دیگر، نظام اقتصادی اسلام به طور مشخص در منابع اسلامی اعم از آیات و روایات ارائه نشده و بلکه آنچه در این منابع قابل دستیابی است مجموعه‌ای از احکام، حقوق و مفاهیم می‌باشد که با دقت نظر در آنها و یافتن رابطه تنگاتنگی که بین آنها وجود دارد، می‌توان اصول کلی و نظریات اساسی مربوط به نظام اقتصادی اسلام را کشف کرد و از همین روی و بر مبنای روش کشف اصول از طریق بررسی احکام و قوانین اصول نظام اقتصاد اسلام قابل استنباط می‌باشند (صدر، ۱۳۴۹ ق: ج ۲، ۲۷).

قرآن کریم تصریح می‌دارد که: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»؛ (ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خدا فرمان ببرید و از رسول و صاحبان امر که از شما هستند اطاعت کنید) (نساء، ۸۱). و بدین ترتیب وجوب اطاعت مردم از رسول اکرم را از دو ناحیه مقرر داشته است: یک ناحیه، احکامی است که ایشان به وسیله وحی بیان می‌کند و ناحیه دیگر احکامی است که خود ایشان صادر نموده و منظور، احکام و آرای است که آن حضرت به مقتضای بر عهده داشتن زمام حکومت و قضاء و ولایتی که بر مردم داشته‌اند، صادر می‌کردند و آنچه اولی الامر نیز وظیفه دارند این است که رأی خود را در مواردی که ولایتشان در آن نافذ است ارائه دهند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ۶۱۷).

از همین روی می‌توان اظهار داشت که اصل ورود حاکم دولت اسلامی در اعمال ولایت و حکومت و از جمله فعالیت‌های اقتصادی امری مسلم می‌باشد که برای اثبات این مدعا می‌توان به سیره پیامبر اکرم اشاره نمود (صدر، ۱۳۴۹: ج ۲، ۳۱۹-۳۱۶).

در خصوص قلمرو اختیارات حاکم و دولت اسلامی نیز باید اظهار داشت هر امری که به مصلحت جامعه باشد (و تحقق آن بدون ولایت دولت به صورت نظارت یا ارشاد ممکن نباشد)، امام و یا ولی مسلمین در آن امر ولایت دارند. به عبارت دیگر، همه اموری که متعلق به جامعه مسلمانان به عنوان جامعه است، به عهده حاکم مسلمانان می‌باشد؛ اموری نظیر گردآوری اموال عمومی و مالیاتها و حراست از ثروت‌های عمومی (انفال) و ذخائر و اموال ملی و مصرف آن در جایگاه‌های مورد نیاز که متعلق به جامعه به عنوان جامعه است و مربوط به شخص و فرد خاصی نیست (منتظری نجف‌آبادی، ۱۴۰۹ ق: ج ۳، ۶۴).

نظام حقوقی اسلام ضمن آنکه به اراده و تراضی معامله‌کنندگان احترام می‌گذارد، برای آنکه افزون‌طلبی‌های طرف‌های معامله با ارتکاب اعمال فریبکارانه از حد اعتدال و عرف تجاری خارج نگردد و ستم و زیان ناروا به طرف یا طرف‌های دیگر معامله وارد نشود و در نتیجه اقتصاد جامعه دچار تزلزل و آشفتگی نشود، برخی اصول و قواعد را وضع کرده تا عدالت رعایت شود و حقوق خریداران و فروشندگان، محترم شمرده شود

(علاء الدین، ۱۳۹۱: ۳۳). اصول و قواعدی همچون قاعده لاضرر، اصل قسط (عمل بر مبنای عدالت)، اصل عدم تدلیس (عدم فریبکاری در اوصاف متعلق عقد)، اصل عدم غین (عدم معامله با قیمتی افزونتر از ارزش اقتصادی آن معامله)، اصل عدم احتکار (عدم ذخیره یا امتناع از فروش کالا در بازار)، اصل عدم اکل مال به باطل و ... از جمله این موارد می‌باشند. بررسی مصادیق قابل تطبیق با حقوق رقابت در اسلام بیانگر آن است که موضع اسلام در مقابل حقوق رقابت، رد یا تأیید کامل نیست در واقع، برخی موارد که احکام و ضوابط حقوق رقابت در راستای تحقق اهدافی است که مورد پذیرش اسلام می‌باشد مانند مقرراتی که مبنای آنها رعایت نفع عمومی است را می‌توان مورد تأیید اسلام دانست؛ اما در مقابل، مواردی که ضوابط حقوق رقابت تنها بر اساس مبانی لیبرالیسم و سرمایه‌داری توجیه‌پذیر است مانند رقابت آزادانه و نه عادلانه، پذیرش آنها از سوی اسلام کاملاً محل مناقشه و تردید می‌باشد؛ به عنوان نمونه در مباحثی که رقابت آزادانه صرفاً مدنظر قرار می‌گیرد و در راستای تحقق منافع اقتصادی بیشتر آشکارا بی‌عدالتی رخ می‌دهد، موضع اسلام تأیید نمی‌باشد (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۲: ۴۸ و وکیلی مقدم، ۱۳۸۹: ۴۰-۳۰).

۵. اهداف حقوق رقابت:

اهداف عمده حقوق رقابت را می‌توان به سه بخش عمده تقسیم نمود که عبارتند از «بهره‌وری اقتصادی» و «افزایش رفاه» و «حمایت از بنگاه‌های تجاری ضعیف» که در این قسمت به بررسی این موارد خواهیم پرداخت.

۵-۱-۱ بهره‌وری اقتصادی:

بهره‌وری اقتصادی را می‌توان در به حداکثر رساندن کارایی با حداقل مواد اولیه معنا کرد. که خود شامل بهره‌وری تولیدی، بهره‌وری نوآورانه، و بهره‌وری تخصیصی^۴ می‌شود. بهره‌وری تولیدی به معنای به حداکثر رساندن تولید، بدون ایجاد هزینه و یا با استفاده از کمترین هزینه‌ی ممکن است. در این راستا، استفاده از توان تکنولوژی و فناوری روز می‌تواند به انحاء مختلف به نظامهای اقتصادی یاری رساند. حقوق رقابت نیز با تنظیم شرایط بازار و جلوگیری از رویه‌هایی که چرخه صحیح اقتصاد کشور را مختل می‌کنند، سعی در افزایش تولید در چارچوب‌های مشخص خویش دارد.

^۴Productive efficiency

^۵Innovative efficiency

^۶Allocative efficiency

اگر بپذیریم که اقتصادهای امروز دنیا، در حرکت خود برای تبدیل شدن به یک اقتصاد دانش بنیان از هم سبقت می‌گیرند، می‌توان نوآوری و خلاقیت را، نیروی محرکه‌ی این نظامهای اقتصادی دانست. لذا همواره حقوق رقابت به دنبال ایجاد شرایطی بوده است تا موجبات افزایش ابتکار و نوآوری را فراهم آورد. اما مراد از بهره‌وری تخصیصی همان قیمت‌گذاری بر اساس هزینه‌های تولید است به نحوی که غیر از آن، مانند شرایط بازار و یا انگیزه‌های کسب سودهای کلان و یا واسطه‌گری‌ها، موثر بر قیمت نیفتد. که در نهایت منجر به اعتماد مصرف‌کننده از قیمت محصول است (سماواتی، ۱۳۷۴: ۲۱).

۵-۱-۱ افزایش رفاه:

یکی از اهدافی که برای حقوق رقابت برمی‌شمرند افزایش رفاه است، چرا که رفاه وسیله سنجش عملکرد هر بازار است. البته در این موضوع که قواعد حقوق رقابت باید در جهت ارتقای "رفاه کل جامعه" باشد یا "رفاه تولیدکنندگان" را مد نظر قرار دهد و یا اینکه با گذر از دو مفهوم فوق "رفاه مصرف‌کنندگان" را سر لوحه قواعد خویش قرار دهد، اختلاف نظر وجود دارد. گاه ممکن است اثری که یک عمل اقتصادی معین بر سه نوع رفاه فوق بر جای می‌گذارد متفاوت و حتی در تعارض با هم باشند، از این رو، معلوم نمودن این که حقوق رقابت باید درخواست کدام یک از انواع رفاه باشد، در تشخیص رقابتی یا ضد رقابتی بودن عمل مزبور نقشی تعیین‌کننده دارد. برای مثال استفاده از موقعیت انحصاری و استفاده از آن در جهت افزایش قیمت محصولات به افزایش رفاه تولیدکننده و حتی ممکن است به افزایش رفاه کل منتج شود. اما در عین حال، از رفاه مصرف‌کنندگان می‌کاهد. در این میان با امعان نظر بر خاستگاه حقوق رقابت همچنین ادله‌ی تاریخی و توجیحات اقتصادی می‌توان گفت، کم و بیش این موضوع مورد وفاق است که حقوق رقابت باید در پی حمایت از منافع مصرف‌کنندگان باشد، صرف نظر از اینکه حمایت از آنان به افزایش رفاه تولیدکنندگان یا رفاه کل بینجامد یا خیر (صادقی مقدم و غفاری فارسانی، ۱۳۹۰: ۱۱۹).

لذا حقوق رقابت از طریق تحدید رویه‌های ضد رقابتی، هدایت اعمال رقابتی در قالبی عادلانه و به صورت منصفانه و در نهایت سعی در بالا بردن حسن رضایت و حمایت از مصرف‌کننده دارد. در واقع رفاه مصرف‌کننده و حمایت از او را می‌توان از اهداف غایی حقوق رقابت دانست (السپت، ۲۰۰۴: ۲۵۲).

^۷Total Welfare

^۸Elspeth

۵-۱-۲-حمایت از بنگاههای تجاری ضعیف:

یکی از رویه‌هایی که از جانب حقوق رقابت محدود شده سوءاستفاده از موقعیت اقتصادی مسلط بوده است. طبیعی است که در بازار، همواره عده‌ایی در شرایط بهتری نسبت به سایرین قرار دارند که ممکن است منجر به سوءاستفاده افراد و بنگاههایی شوند که واجد جایگاه برتر اقتصادی‌اند. یکی از اهداف مهم تصویب قوانین شرمین و کلاتیون و نیز تصویب اصلاحات سلر- کفاور^۹ در ایالات متحده آمریکا کنترل بنگاههای دارای انحصار بود که قادر بودند قیمت کالاها را به خواست خود تعیین کنند. علاوه بر آن کنترل فعالیت بنگاههایی که انحصار ندارند اما در بازارهای خاص تعدادشان محدود است و قادرند با تبانی و یا به‌طور جمعی عمل کنند، به طوری که واجد همان قدرت‌های انحصاری شوند، نیز در دستور کار قانون اخیرالذکر قرار داشت. از این روست که حمایت از افراد و بنگاههای ضعیف تر و حفظ جایگاه آنان در جهت جلوگیری از حذف چنین فعالان تجاری از عرصه رقابت تجاری، همواره یکی از اهداف حقوق رقابت بوده است (صادقی مقدم و غفاری فارسانی، ۱۳۹۰: ۱۲۱).

۵-۲-۱-قوانین مرتبط با حقوق رقابت در جمهوری اسلامی ایران:

به طور کلی و در راستای سیاست‌های اقتصادی نظام مبنی بر برقراری اقتصاد سالم و گسترش قسط و عدالت اقتصادی،^{۱۰} تاکنون قوانین موضوعه متعددی در نظام حقوقی ایران به تصویب رسیده‌اند که عبارتند از: قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳۶۷،^{۱۱} قانون مجازات اخلاصگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹،^{۱۲} قانون نظام صنفی مصوب ۱۳۸۲،^{۱۳} قانون تجارت الکترونیک مصوب ۱۳۸۲،^{۱۴} قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مصوب ۱۳۸۸،^{۱۵} و قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور مصوب ۱۳۹۴/۲/۱ از جمله این قوانین می‌باشند. علاوه بر این موارد، موضوع رقابتی شدن فعالیت‌های اقتصادی به

^{۱۰} بند ۶، ۹ و ۱۲ اصل سوم قانون اساسی در خصوص رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه و پی‌ریزی صحیح اقتصاد در جهت عدالت و نیز بند ۸ اصل چهارم و سوم قانون اساسی در خصوص مبارزه با انواع فعالیت‌های غیر کارآمد و غیر مشروع اقتصادی و همچنین اصل چهارم و هشتم قانون اساسی در مورد توزیع عادلانه امکانات و فعالیت‌های اقتصادی اصول قانون اساسی مرتبط با حقوق رقابت می‌باشند و سیاست اقتصادی جمهوری اسلامی را در این زمینه تبیین می‌نمایند.

^{۱۱} طی مواد ۲ تا ۸ قانون مزبور، گران‌فروشی، احتکار، کم‌فروشی و تقلب، عدم صدور فاکتور و بسیاری دیگر از رویه‌های ضد رقابتی چه از سوی بخش دولتی و چه خصوصی جرم شناخته شد و در مورد ارتکاب هر یک از آنها مجازات‌هایی تعیین شد و به عبارتی این قانون درصدد مهار رویه‌های ضد رقابتی برآمد.

^{۱۲} این قانون با جرم‌انگاری در خصوص اخلاص در امر توزیع می‌تواند عمومی، اخلاص در نظام تولیدی کشور درصدد حمایت و سالم‌سازی نظام اقتصادی کشور برآمده است.

^{۱۳} این قانون در مورد آزادی ورود و خروج به بازار، ممنوعیت خودداری از ارائه کالا یا خدمت، ممنوعیت اجباری فروش کالا سخن رانده است.

^{۱۴} این قانون در حمایت از مصرف‌کنندگان، تشویق رقابت‌های مشروع و حمایت از اسرار تجاری در بستر مبادلات الکترونیکی به وضع قواعدی پرداخته است.

^{۱۵} این قانون در خصوص رویه‌های ضد رقابتی چون تبانی و سازش، فروش اجباری کالا یا خدمت، ارائه کالای بدون استاندارد، عدم ارائه اطلاعات لازم و شفاف و تبلیغات خلاف واقع مطالب حائز اهمیت را مورد اشاره قرار داده است.

طور مستقیم در قانون برنامه پنج‌ساله سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷ مطرح گردید و فصل چهارم قانون مزبور تحت عنوان تنظیم انحصارات و رقابتی کردن فعالیت‌های اقتصادی به قوانین رقابتی اختصاص یافته است.^{۱۶} پس از اتمام اجرای برنامه سوم توسعه، قانون برنامه پنج‌ساله چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در تاریخ ۱۳۸۳/۷/۱۶ به تصویب رسید و فصل سوم این قانون نیز تحت عنوان «رقابت پذیری اقتصاد» با تاکید بیشتری به موضوع خصوصی‌سازی و لغو انحصارات و حمایت از رقابت سالم پرداخت. در قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه مصوب ۱۳۹۰/۱۰/۱۵ که بعد از تصویب قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ به تصویب رسیده است نیز در موارد مختلفی به تمهید و تسهیل شرایط سالم رقابتی پرداخته شده است.^{۱۷}

در عین حال هرچند قوانین خاص نظیر قانون تعزیرات حکومتی یا قوانین عام مانند قوانین برنامه توسعه در قبض و بسط، تعیین اندازه و نقش دولت و بازار در اقتصاد ایران اثرگذار بوده‌اند، اما دامنه این آثار نمی‌توانست فراتر از استقرار و آرایش کلی دولت و بازار در اصل ۴۴ قانون اساسی باشد. گسترش نقش دولت در بنگاه‌داری و ناکارآمدی آن از یک سو با ذیل اصل ۴۴ در تعارض قرار گرفته بود و از سوی دیگر، بافت و ساخت انحصاری صنایع و بازارها، همچنان نقش تنظیمی دولت را اجتناب‌ناپذیر می‌کرد (حسینی و شفیعی، ۱۳۸۶: ۵۴). این موارد، از دغدغه‌های اصولی در تدوین سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ بود و به همین دلیل، سیاست‌های مزبور به منظور کنار گذاشتن بزرگترین مانع فعالیت‌های رقابتی، با تجویز فعالیت بخش خصوصی در صدر اصل ۴۴ و در نتیجه کاهش بار بنگاه‌داری دولت و توسعه بخش‌های غیردولتی و در مقابل، تقویت نقش نظارتی، هدایتی و تنظیمی دولت ابلاغ شد. سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در ۵ بند تدوین گردید و مطابق بند (الف)، حوزه فعالیت دولت تشریح شد و دولت از هر گونه فعالیت در خارج از آن حوزه ممنوع گردید. در بند (ب)، بخش تعاونی و خصوصی در کنار دولت قرار گرفتند و بر اساس بند (ج) دولت موظف به خصوصی‌سازی گردید. در نهایت، در دو بند (د) و (ه) نیز سیاست‌های کلی واگذاری و سیاست‌های کلی اعمال حاکمیت و پرهیز از انحصار، ابلاغ و بر آنها

^{۱۶} به موجب این قانون به دولت اجازه داده شد که انحصارات دولتی در زمینه خدمات پستی و مخابراتی، تولید و توزیع چای، حمل و نقل بار و مسافر به وسیله راه آهن، تولید، توزیع، واردات و صادرات دخانیات، پالایش، پخش و حمل و نقل مواد نفتی، انعقاد قرارداد با شرکتهای بیمه خصوصی را با حفظ حاکمیت دولت لغو نماید و بخش خصوصی را در این امور مشارکت دهد. همچنین دولت موظف گردید ظرف مدت یک سال انحصارات قانونی اعطا شده را لغو کند و اقدامات قانونی لازم برای لغو انحصار و جلوگیری از فعالیتهای انحصارگرایانه را انجام دهد.

^{۱۷} مواد ۲۸، ۲۴، ۱۱۴، ۱۲۵ و ۱۴۴ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه از جمله این موارد می‌باشند.

تاکید شد. بدین ترتیب، با استناد به ماده ۳۵ قانون برنامه پنجساله سوم توسعه، مواد ۳۸، ۴۰ و ۴۱ بند (ه) از قانون برنامه پنجساله چهارم توسعه و نیز بند ۳ سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مصوب ۱۳۸۴/۳/۱، دولت مکلف به جلوگیری از انحصارات و خصوصاً تدوین لایحه تسهیل رقابت و تنظیم انحصارات گشت. در همین راستا و به منظور تحقق اهداف برنامه‌های دوم و سوم و چهارم توسعه (منخصوصاً برنامه چهارم)، با توجه به وظایف قانونی وزارت بازرگانی و همچنین مسئولیت وزارتخانه مذکور در تدوین لایحه اصلاح قانون تجارت، قانون تجارت الکترونیک، قانون نظام صنفی، لایحه حمایت از حقوق مصرف کننده و...، هیئت وزیران لایحه قانون «تسهیل رقابت و کنترل و جلوگیری از شکل‌گیری انحصارات» را با همکاری وزارت امور اقتصادی و دارایی به این وزارتخانه سپرد. وزارت بازرگانی با برگزاری همایش‌ها و بررسی تطبیقی قوانین سایر کشورها و نیز مدل قانون رقابت آنکتاد^۸ (کنفرانس توسعه و تجارت سازمان ملل متحد) چارچوب لایحه مذکور را تنظیم نمود. در ادامه به این دلیل که ایجاد رقابت و برخورد با انحصارات اعم از دولتی و خصوصی از جمله پایه‌های اساسی اجرای سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی محسوب می‌گردد، تصمیم به ادغام این لایحه با لایحه سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی گرفته شد و سرانجام پس از ادغام لایحه قانون رقابت در لایحه سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و تصویب آن در مجلس شورای اسلامی، در تاریخ ۱۳۸۶/۷/۹ برای بررسی و عدم مغایرت با شرع و قانون اساسی به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان طی ایراد به تعدادی از مواد قانون، آن را جهت تصحیح به مجلس عودت داد و در نهایت به علت حل نشدن ایرادات، لایحه مزبور تحت عنوان «قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی» جمهوری اسلامی ایران و سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در تاریخ ۱۳۸۷/۳/۲۵ توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام، موافق با مصلحت نظام تشخیص داده شد و تصویب گردید. البته بر اساس ماده واحده «قانون اصلاح قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» مصوب ۱۳۸۹/۱۲/۱۱، عنوان قانون مذکور به قانون «اجرای سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی» اصلاح شد. قانون مزبور، شامل ۹۲ ماده و ۹۰ تبصره در ۱۰ فصل تدوین یافته که فصل نهم آن از ماده ۴۳ تا ۸۴ مربوط به تسهیل رقابت و منع انحصار می‌باشد. در مواد ۴۵ تا ۴۹ تعدادی از رویه‌های ضد رقابتی توضیح داده شده و از ماده ۵۳ تا ۸۴ در خصوص شورای رقابت، وظایف اعضا و اختیارات آنها و برخی

^۸UNCTAD (United Nations Conference on Trade and Development)

ضمانت‌های اجرایی انجام فعالیت‌های ضد رقابتی سخن به میان آمده و در ادامه نیز در خصوص مرجع تجدید نظر تصمیمات شورای رقابت، اعضاء و اختیارات مواردی بیان گردیده است.

۶- اهداف حقوق رقابت در نظام جمهوری اسلامی ایران:

اگر چه در قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی به صراحت هدف از مقررات آن ذکر نشده، اما اهداف مزبور در سیاست‌های کلی ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری و نیز در مواد مختلف قانون مزبور به خوبی قابل ردیابی است.^{۱۹} در این رابطه می‌توان موارد ذیل را مورد اشاره قرار داد:

الف) بند (ج) سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی ابلاغی مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۳۸۵/۴/۱۲ به صراحت بر افزایش رقابت‌پذیری به عنوان یکی از جهت‌گیری‌های خصوصی‌سازی اشاره دارد. این امر بیانگر آن است که در نظام اقتصادی ایران، به رقابت به دیده ارزشی مستقل نگریسته شده است. همچنین در بند (الف) ماده ۳۷^{۲۰} و دیگر مواد قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، دولت مکلف شده است که نظام‌های قانونی، حقوقی و اقتصادی مناسب را در جهت رقابت‌پذیری اقتصاد فراهم نماید. همچنین از منظر تدوین‌کنندگان این پیش‌نویس، جلوگیری از اخلاف در رقابت از ویژگی‌های اصلی آن بوده است (دفتر مطالعات اقتصادی، ۱۳۸۴: ۲۵۰ و معاونت برنامه‌ریزی، ۱۳۸۳: ۲۲۲).

بنابراین، تردیدی نیست که منع رفتارهای ضد رقابتی و حذف و کنترل انحصارات از انگیزه‌های اصلی تدوین فصل نهم قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی بوده است که از همین روی نیز فصل مزبور، «تسهیل رقابت و منع انحصار» نامگذاری شده و این مسئله بیانگر اهمیت ذاتی نفس رقابت است. همچنین، در مواد ۴۴ و ۴۵ این قانون که اعمال ضد رقابتی را برمی‌شمرند، معیار ممنوعیت این اعمال، اخلافی

^{۱۹} برای آگاهی از نظری که منع اضرار به غیر، عدالت رویه‌ای، کارایی اقتصادی و آزادی اقتصادی را در کنار یکدیگر به عنوان اهداف «سیاست رقابتی» ایران می‌داند (ر.ک.: رشوند بوکانی، ۱۳۸۸: ۲۳۰).

^{۲۰} با توجه به ضرورت شتاب گرفتن رشد و توسعه اقتصادی کشور مبتنی بر ... جهت‌گیری خصوصی‌سازی در راستای افزایش کارایی و رقابت‌پذیری و گسترش مالکیت عمومی و بنا بر پیشنهاد مجمع تشخیص مصلحت نظام، بند (ج) سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مطابق بند (۱) اصل ۴۴ ابلاغ می‌گردد.

^{۲۱} ماده ۳۷: دولت موظف است در جهت ایجاد فضا و بسترهای مناسب، برای تقویت و تحکیم رقابت‌پذیری و افزایش بهره‌وری نیروی کار متوسط ... و رشد صادرات غیرنفتی ... و ارتقای سهم صادرات کالاهای فناوری پیشرفته در صادرات غیرنفتی ... اقدامات ذیل را به عمل آورد: (الف) نظام‌های قانونی، حقوقی، اقتصادی، بازرگانی و فنی مناسب را در جهت تقویت رقابت‌پذیری اقتصاد فراهم نماید.

دانسته شده است که در نتیجه آنها بر رقابت وارد می‌شود. این معیار در بند ۲۰ ماده ۱ تعریف شده است؛^{۲۲} انحصار، احتکار و تمرکز ثروت از مؤلفه‌های مهم احراز آن می‌باشند. بر این اساس، اصلی‌ترین و مهم‌ترین هدف مقررات فصل نهم این قانون حفظ رقابت و جلوگیری از اخلال یا کاهش آن می‌باشد (صادقی مقدم و غفاری فارسانی، ۱۳۹۰: ۱۳۹).

ب) هر چند در فصل نهم قانون یاد شده به صراحت از کارآیی و حمایت از منافع مصرف‌کنندگان سخنی به میان نیامده است، اما در مصوبات زمینه‌ساز وضع این مقررات به‌ویژه به کارآیی اشاره شده است؛ بند (ج) سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری، یکی از اهداف مهم واگذاری را ارتقاء کارآیی اقتصادی و بهره‌وری منابع مادی و انسانی و فناوری می‌داند و این هدفگذاری باید در تفسیر و اجرای مقررات نیز مدنظر قرار گیرد. در عین حال، در مقرره‌های فصل نهم قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، به ویژه در مواد ۴۴ تا ۵۲ این قانون، ردپای کارآیی و به تبع آن رفاه مصرف‌کنندگان در تعیین اعمال ضدرقابتی از غیر آنها دیده می‌شود. علاوه بر این، در بند ۲۰ ماده ۱ قانون مذکور که در آن اخلال در رقابت تعریف گشته است. «اضرار به عموم» و به بیان اقتصادی «رفاه مصرف‌کنندگان و کاهش مهارت و ابتکار در جامع» یا همان «ناکارآیی تولیدی و پویا» از ضابطه‌های مهم احراز آن مفهوم دانسته شده است. البته لازم به ذکر است که در سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، نمونه‌هایی از «اهداف غیر اقتصادی» در حقوق رقابت دیده می‌شود و بدین ترتیب نیز اهمیت آنها برای نظام اقتصادی انکارناپذیر می‌نمایند. به عنوان مثال، بند ۳ ماده ۴۴، شق ۳ بند «الف»، بندهای (ب)، (و) و (ط) ماده ۴۵ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی را می‌توان بر عدالت و انصاف نیز مبتنی دانست. همچنین، بندهای (د)، (و) و (ط) ماده ۴۵، مواد ۴۷، ۴۸ و ۵۰ قانون مزبور، هدف حمایت از بنگاه‌های کوچک و جلوگیری از تمرکز بازار را نیز در دستور کار خود دارند. یکی از اهداف بند ۲ ماده ۴۸ را نیز می‌توان حمایت از اشتغال دانست. علاوه بر این، «تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص» و «سلطه اقتصادی بیگانه بر کشور» از جمله ملاک‌های احراز اخلال در رقابت، موضوع بند ۲۰ ماده ۱ این قانون، تعیین شده‌اند؛ این موضوعات از دغدغه‌های عدالت توزیعی حکایت دارند و از همین روی شکی نیست که در حقوق رقابت ایران اهداف غیراقتصادی نیز مدنظر می‌باشند (صادقی مقدم و غفاری فارسانی، ۱۳۹۰: ۱۴۱).

^{۲۲} بند ۲۰ ماده ۱: اخلال در رقابت: مواردی که موجب انحصار، احتکار، افساد در اقتصاد، اضرار به عموم، منتهی شدن به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص، کاهش مهارت و ابتکار در جامعه و یا سلطه اقتصادی بیگانه بر کشور شود.

در نهایت باید اظهار داشت که اهداف حقوق رقابت به شرایط اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی هر نظام حقوقی بستگی دارند و ممکن است در نتیجه تغییر شرایط، این اهداف از زمانی به زمان دیگر متفاوت بوده یا ترتیب اولویت میان آنها دستخوش تغییر شود. با این حال، به طور کلی «روح حقوق رقابت» ثابت بوده و «حفظ رقابت برای افزایش کارایی اقتصادی به سود مصرف‌کنندگان» هدف از آن با توجه به آنچه بیان آن گذشت، می‌باشد (صادقی مقدم و غفاری فارسانی، ۱۳۹۰: ۱۴۲). در نظام حقوقی ایران نیز هدف مزبور به عنوان «اصل» باید تلقی گردد و اهداف غیر اقتصادی باید صرفاً در مواردی که به آنها تصریح شده و نیز به طور استثنایی و به هنگام مصلحت به کار گرفته شوند.

نتیجه‌گیری:

مقررات حقوق رقابت، در زمینه کنترل و نظارت دولت بر اقتصاد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد و به عنوان ابزار اصل، برای پیشبرد سیاست رقابت، دولت در کنار ابزارهای دیگر اعمال می‌نماید. این قبیل مقررات را می‌توان در کنار مقررات زدایی، و خصوصی‌سازی، سبب حفاظت از کیان اقتصاد و رفاه مصرف‌کننده از طریق ممنوعیت اعمالی دانست که احتمالاً یا محققاً سبب اخلال در رقابت سالم می‌گردند. این اعمال تحت عنوان رویه‌های ضد رقابتی یا محدودکننده رقابت، به اقتصاد بسیاری از کشورها به ویژه کشورهای توسعه نیافته، زیان‌های جبران‌ناپذیری را وارد ساخته است.

در کشور ما نیز متأسفانه علی‌رغم وجود زمینه‌ها و بسترهای مناسب در فقه، جهت تدوین قانون رقابت و ممنوعیت رویه‌های مورد اشاره تا قبل از تصویب فصل نهم قانون اصلاح قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی، جمهوری اسلامی ایران و سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، به صورت پراکنده و غیرمنسجم در قوانین، می‌توان تعداد محدودی از این ممنوعیت‌ها را ملاحظه نمود که متأسفانه از این غفلت خسارات زیادی بر اقتصاد کشور و تبعاً حقوق ملت تحمیل گردید. اندیشه مهار کردن اعمال ضد رقابت و کاهش انحصارها اگرچه دارای سابقه‌ای قدیمی است اما فکر حفظ رقابت در بازار و حمایت از آن به صورت نهادینه نتایج رویکرد جدیدی است. در حقوق کنونی ایران موضوع رقابتی شدن فعالیت‌های اقتصادی برای اولین بار در قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۳۷۹ مجلس شورای مطرح شد و پس از اتمام مهلت اجرای قانون برنامه سوم، قانون برنامه پنج ساله چهارم در سال ۱۳۸۳ به تصویب رسید.

فصل سوم این قانون نیز تحت عنوان رقابت پذیری اقتصاد، طی ۶ ماده به موضوع لغو انحصارات و رقابتی-کردن اقتصاد ملی پرداخته است حقوق رقابت براساس پذیرش ضرورت دخالت دولت در بازار به جهت

جلوگیری از شکست بازار به دلیل اعمال ضد رقابتی و همچنین برای افزایش توان تولید و بالابردن سطح کیفیت محصولات در برابر سایر رقبا و در نتیجه کارایی اقتصادی بیشتر شکل گرفته است. اهداف حقوق رقابت به شرایط اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی هر نظام حقوقی بستگی دارند؛ ممکن است در نتیجه‌ی تغییر شرایط، این اهداف از زمانی به زمان دیگر متفاوت بوده یا ترتیب اولویت میان آنها دستخوش تغییر شود. با این حال به طور کلی، «روح حقوق رقابت» ثابت و عبارت است از حفظ رقابت برای افزایش کارایی اقتصادی به سود مصرف‌کنندگان. بنابراین، اصولاً مجریان مقررات رقابت باید قواعد آن را در این راستا تحلیل، تفسیر و اجرا نمایند. شخصیت حاکمه دولت که مصون از تعقیب قضایی و اجرایی است، مانع از تصدی دولت در فعالیت‌هایی که اغلب از سوی اشخاص خصوصی انجام می‌گیرد، نیست. هر چند در گذشته دولت‌ها کمتر به این گونه فعالیت‌ها می‌پرداختند، ولی با به وجود آمدن ضرورت تصدی دولت‌ها در امر تجارت، آنها نیز مانند اشخاص خصوصی ناگزیر از دارا شدن اموال، بدهکار و طلبکار شدن هستند. قوانین داخلی ایران از جمله قانون مسئولیت مدنی، قانون اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی، قانون دیوان عدالت اداری، قانون تعیین مرجع دعاوی بین افراد و دولت و بسیاری قوانین دیگر حکایت از نبود مصونیت برای اعمال تصدی دولت دارد. در نظام حقوقی ایران نیز باید اقدامات بنگاه‌های اقتصادی که برخلاف مسیر فوق است، ضد رقابتی تلقی شود. بنابراین، به هدف فوق باید اعتباری برابر با «اصل» داد؛ اهداف غیر اقتصادی باید تنها در موارد مصرح قانونی، به طور استثنایی و در مواردی که مصلحت اقتضا می‌کند، به کار گرفته شوند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع :

- ۱- باقری، محمود و رشوند بوکانی، مهدی. (۱۳۸۷)؛ حقوق رقابت و دفاع از تمامیت بازار در فقه امامیه، مجله پژوهش نامه حقوق اسلامی، دوره ۹، شماره ۲۸، ۲۹-۵۵.
- ۲- باقری، محمود و عباسی، سیمین. (۱۳۹۱). سیاست های حقوق رقابت و حقوق مالکیت فکری، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۲، شماره ۲، ۵۹-۷۴.
- ۳- پورطهماسبی فرد، محمد. (۱۳۹۴)؛ حقوق رقابت در ایران، پایگاه اطلاع رسانی هزاره سوم، قابل دسترس در: <http://persianlawfirms.com>
- ۴- حسینی، سید شمس الدین و شفیعی، افسانه. (۱۳۸۶)؛ تعامل دولت و بازار و رویکرد تنظیم اقتصاد در ایران؛ تأملی در سیاست- های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، فصلنامه پژوهش ها و سیاست های اقتصادی، شماره ۴۳، ۸۸-۱۰۳.
- ۵- خداداد کاشی، فرهاد. (۱۳۸۸)؛ دیدگاه های مختلف در مورد مفهوم و نظریه رقابت و تطبیق آن با وضعیت رقابت در بخش صنعت ایران، فصلنامه پژوهش ها و سیاست های اقتصادی، سال ۱۷، شماره ۵۱، ۵۳-۸۹.
- ۶- دفتر مطالعات اقتصادی معاونت برنامه ریزی و بررسی های اقتصادی وزارت بازرگانی. (۱۳۸۴)؛ لایحه قانون رقابت: مبانی و تجربه کشورها، تهران: انتشارات شرکت چاپ و نشر بازرگانی، چاپ اول.
- ۷- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه. (۱۳۷۲)؛ درآمدی بر اقتصاد اسلامی، تهران: انتشارات سمت، چاپ چهارم.
- ۸- رستمی، ولی ا. و کمرخانی، ایام. (۱۳۹۴). اعمال مقررات حقوق رقابت بر اعمال حاکمیتی و تصدی دولت، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۵، شماره ۳، ۴۵۱-۴۳۱.
- ۹- رهبری، ابراهیم و همکاران. (۱۳۹۲). عملکرد حقوق رقابت بر رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه، دوفصلنامه دانشنامه حقوق اقتصادی، دوره جدید، سال ۲۰، شماره ۳، ۱-۲۳.
- ۱۰- سماواتی، حشمت الله. (۱۳۷۴)؛ مقدمه ای بر حقوق رقابت تجاری، تهران: انتشارات فردوسی، چاپ دوم.
- ۱۱- صادقی مقدم، محمدحسن و غفاری فارسانی، بهنام. (۱۳۹۰). روح حقوق رقابت، مجله حقوق دادگستری، سال ۷۵، شماره ۷۳، ۱۱۳-۱۴۶.
- ۱۲- صدر، سیدمحمد باقر. (۱۳۴۹)؛ اقتصاد ما، ترجمه علی اسپهبدی، تهران: انتشارات اسلامی، جلد دوم.
- ۱۳- طباطبائی، سیدمحمدحسین. (۱۳۷۴)؛ میزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، جلد چهارم، قم: انتشارات دفتر اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.
- ۱۴- طباطبائی نژاد، سیدمحمد. (۱۳۹۴). داوری تجاری بین المللی و چالش اعمال قواعد آمره؛ مطالعه موردی داوری در حقوق رقابت، مجله حقوق تطبیقی دانشگاه تهران، مقاله ۱۳، دوره ۶، شماره ۱، ۲۷۷-۳۰۰.
- ۱۵- علاء الدین، امیرعباس. (۱۳۹۱)؛ حقوق رقابت (در آینه تحولات تقنینی)، تهران: انتشارات مجد، چاپ اول.

- ۱۶- غمامی، سیدمحمد مهدی و اسماعیلی، محسن. (۱۳۸۹). مطالعه تطبیقی نظام حقوقی رقابت در ایران و فرانسه، پژوهشنامه حقوق اسلامی، سال ۱۱، شماره ۲، ص ۱۸۸-۱۵۳.
- ۱۷- معاونت برنامه ریزی و امور اقتصادی وزارت بازرگانی. (۱۳۸۳)؛ گزارش پشتیبان لایحه تسهیل رقابت و کنترل و جلوگیری از شکل گیری انحصارات، تهران: انتشارات دفتر مطالعات اقتصادی.
- ۱۸- منتظری نجف آبادی، حسین علی. (۱۴۰۹ ق.؛) مبانی فقهی حکومت اسلامی، ترجمه محمود صلواتی و ابوال شکوری، قم: انتشارات مؤسسه کیهان، چاپ اول.
- ۱۹- وکیلی مقدم، محمدحسین. (۱۳۸۹)؛ توافقات ضد رقابت تجاری، تهران: انتشارات کتاب همگان.

منابع لاتین :

- ۱) *Elspeth Dears. (2004); Sylvia Hargreaves. European Union Law. Oxford University press.*
- ۲) *Taylor, Marty (2005); International Competition Law, London: Cambridge Pub.*

پژوهشنامه تطبیقی دادپیشگان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی